



در کار ما، یعنی در کار شناخت جامعه، «مونوگرافی‌ها و توصیف‌های عمیق» از مسائل مختلف جامعه خیلی مفیدند. ولی تعداد این توصیف‌ها، خصوصاً آن‌هایی‌شان که عمیق و جدی هستند کم‌تعدادند. اما اخیراً با دو مورد از آن‌ها روبه‌رو شدم که هم خودم از شنیدنش تحت تأثیر قرار گرفتم و هم مورد استقبال دانشجویانم قرار گرفت.

متونی که افق کاری و معرفتی من را عوض می‌کنند

## افق‌گشایی‌های کتاب



حمیدرضا جلالی‌پور  
جامعه‌شناس

در تجربه من، کتاب و منابع تحقیقی دو جا خیلی مطبوع و شیرین است. یکی از این دوجا، در کار حرفه‌ای جامعه‌شناسی است یعنی جایی که با کمک کتاب‌ها می‌توانم بینش دقیق‌تری نسبت به پدیده‌ها به دست بیاورم. بگذارید یک مثال بزنم؛ من مدت‌ها بود دوست داشتم بفهمم پیامد «اینترنتی شدن امور» برای زندگی اجتماعی ما چیست؟ و برای پیدا کردن پاسخ دنبال کتاب مناسب می‌گشتم و پیدا نمی‌کردم؛ اما وقتی با کتاب «هزینه نهایی صفر» به قلم جرمی ریفکین روبه‌رو شدم، واقعاً لحظه بی‌ظیری را از درک یک پدیده تجربه کردم و برایم بسیار روشنگر و لذت‌بخش بود. دومین تجربه شیرین در ارتباط با کتاب، در حوزه کتاب‌ها و منابعی تعریف می‌شود که به سؤالات وجودی و عقیدتی مربوط است. مثلاً اخیراً استاد عبدالکریم سروش درباره پیامبر اسلام از منظر «دین و قدرت» صحبت کردند و موضع اخیر ایشان درباره اقتدارگرایی پیامبر برایم خیلی تعجب‌برانگیز بود! بعد از شنیدن این اظهار نظر، شروع به جست‌وجو کردم و نوشته‌ها و سخنان زیادی را در نقد این موضع دنبال کردم.

این جست‌وجوها برایم خیلی جذاب بود و خسته نمی‌شدم. خصوصاً وقتی نقد دکتر احمد صدری را درباره دیدگاه اخیر دکتر سروش دنبال کردم، خیلی برایم روشنگر بود و در مدت کوتاهی، توانستم اطلاعات مفید زیادی کسب کنم. باز اجازه بدهید به دو تجربه از منابع فضای مجازی (کتاب‌های صوتی) و پادکست‌ها اشاره کنم که بسیار تجارب فوق‌العاده جالبی بودند. در کار ما، یعنی در کار شناخت جامعه، «مونوگرافی‌ها و توصیف‌های عمیق» از مسائل مختلف جامعه خیلی مفیدند. ولی تعداد این توصیف‌ها، خصوصاً آن‌هایی‌شان که عمیق و جدی هستند کم‌تعدادند. اما اخیراً با دو مورد از آنها روبه‌رو شدم که هم خودم از

شنیدنش تحت تأثیر قرار گرفتم و هم مورد استقبال دانشجویانم قرار گرفت. یکی اپیزود چهاردهم پادکست فارسی «رادیو نیست» درباره «زندان قصر» بود. خیلی عجیب بود حتی کسی که این زندان مهندسی با عظمت را برای رضاشاه ساخت، از سرکوب شاه در امان نماند و این خیلی برایم تأمل برانگیز بود. دوم اپیزود شانزدهم همین پادکست تحت عنوان «خاک سفید» بود. کثیری از مردم تهران از جمله خودم فکر می‌کردند که همه خاک‌سفیدی‌ها «خلاف‌اند»، بعد در این مستند صوتی معلوم می‌شود که این گزاره خطا است. فقط یک قسمت در خاک سفید به نام «جزیره» محل عده‌ای خلاف‌کار بوده، تازه آنها هم انسان بودند و در قصه مصیبت آنها هم همه مسئولیم. این متن خیلی تکان‌دهنده بود.



این تصویر را اسکن کنید و یادداشت دکتر حمید رضا جلالی‌پور را با صدای عباس عینعلی بشنوید



کتابخوانی و معنایی که به زندگی می‌بخشد

## پلی برای گذر از نسیان



سید جواد میری  
جامعه‌شناس

شاید برآستی کشف کلمه‌ای بزرگترین معجزات هستی انسان‌ها بوده باشد؛ زیرا با واژ طریق کلمات است که انسان با هستی در قلمرو وجود ذهن و جان خویش «رابطه» برقرار می‌کند و هر آنچه از جنس رابطه و ربط و نسبت باشد اعجاز آفرین است. مگر عشق اعجاز نمی‌آفریند؟ چرا فکر می‌کنید عشق در وجود آدمیان شر می‌زند و هستی خلق می‌کند؟ زیرا جنسش از سنخ رابطه و نسبت «دویی» است که من و تو را یگانه می‌کند و افق‌های ندیده را در جان آدمی باز می‌آفریند. حال کتاب چه نسبتی با این دارد؟ کتاب محمل کلمه و کلمات است که در درون خود جهانی را حمل می‌کند و هر کتابی که افقی در خویشتن نهفته داشته باشد معنا آفرین‌اش عمیق‌تر و شدیدتر خواهد بود. البته هر کتابی توانمندی



این تصویر را اسکن کنید و صدای سید جواد میری و یادداشت او را بشنوید.

این خلق را در دل و جان آدمیان ندارد بل کتبی به این وادی می‌توانند ورود کنند که مؤلفش خود درکی از «الف» و «انس» در پهنه هستی تجربه کرده باشد. شاید در جهان پرشتاب اکنون ما که انس و الفت کمرنگ‌تر و انسان دچار نسیان شده است سخن گفتن از معنایابی از طریق کلمه و واژه‌ها تمنا بی‌سخت دشوار باشد ولی وجود آدمی به گونه‌ای است که «زمان‌نورد» است و می‌تواند از حصار زمان و مکان در ذهن و جان خویش عبور کند و با کتب کلاسیک عصور ماضی رابطه برقرار کند و در لایه لای کلمات فیلسوفان و حکما و شعرا و دانایان دیروز افقی برای فردا خلق کند. کتاب همواره چنین قدرتی را در بینابین سطور خویش حمل می‌کند و شاید اکنون که در زمان تعلیق جهان به سر می‌بریم کتاب دوباره بتواند نسبت ما را با هر آنچه بوی الفت و انس می‌دهد برقرار کند و چه زیباست اگر این برقراری بتواند قراری هم در دل و جان اهالی عصر نسیان زنده کند تا هبوط خویش را وجدان کند و راهی به سوی بازیابی خود بیابد. کتاب برای من همیشه پلی به سوی الفت و انس و گذر از نسیان بوده است اما نه هر کتابی و نه هر مؤلفی بل جانی که شهادت مواجهه با «پرتگاه» را داشته است.

## کتابخوانی و مسأله تکامل انسان کتاب، جایگزین ناپذیر است



دکتر رضا منصوری  
کیهان‌شناس و استاد دانشگاه صنعتی شریف

برای روشن شدن نقش کتاب در زندگی بشرید نیست توجهی داشته باشیم به این موضوع که تفاوت انسان با گیاهان و حیوانات در چیست؟ آن‌ها هم دارای حیات هستند، ولی تفاوت انسان با سایر موجودات در این است که انسان می‌تواند سخن بگوید؛ از زمانی که جوامع انسانی به‌وجود آمدند انسان‌ها شروع به صحبت با همدیگر کردند؛ با زبانی که طی مراحل رشد و تکامل پیدا کرده و به ما رسیده است. گیاهان و حیوانات هم به نوعی با هم صحبت می‌کنند، ولی صحبت این موجودات در حد ابتدایی باقی مانده است و متحول شده و تکامل یافته نیست، اما همان‌طور که گفتیم انسان بر اثر یک‌سری اتفاقات زیست‌شناختی می‌تواند صحبت کند. پس انسان برای برقراری ارتباط با سایر انسان‌ها شروع به صحبت کرد و در ادامه نوشتن را آفرید و کتاب را به‌وجود آورد؛ وقتی به موضوع کتاب می‌پردازیم، باید متوجه نقشی که در تحول جوامع انسانی دارد هم باشیم؛ در واقع مکالمه دوانسان به همدیگر در نهایت تبدیل به نوشتار شده است و ما عنوان کلی کتاب را برایش به‌کار می‌بریم. اما کتاب تنها وسیله‌ای برای انتقال حرف‌های یک انسان به انسان دیگر نیست، علاوه بر این‌ها تأثیر شگرفی هم در تکامل انسانی، خرد انسانی و خلاقیت انسان‌ها دارد. این هم وجه تمایز دیگری بین انسان و حیوان است؛ هر خصوصیتی که با انسان بودن در ارتباط باشد، چه به لحاظ خرد و چه به لحاظ عواطف او، عامل اصلی نگارش کتاب است. گفت‌وگوی میان دوانسان تمام می‌شود و نهایتاً اثر آن در ذهن باقی می‌ماند؛ ولی وقتی پای نوشتار در میان باشد نوشتار بر خرد و روح نویسنده و خواننده تأثیر می‌گذارد. انسان‌ها اگر مایل باشند در همین مسیر تکاملی که آن‌ها را از حیوانات متمایز ساخته



این تصویر را اسکن کنید و صدای دکتر رضا منصوری و یادداشت او را بشنوید.

کتاب فقط وسیله‌ای برای انتقال حرف‌های یک انسان به انسان دیگر نیست، علاوه بر این‌ها تأثیر شگرفی هم در تکامل انسانی، خرد انسانی و خلاقیت انسان‌ها دارد. انسان‌ها اگر مایل باشند در همین مسیر تکاملی که آن‌ها را از حیوانات متمایز ساخته رشد کنند ناگزیرند از اینکه بنویسند و بخوانند. وقتی انسانی کتاب نمی‌خواند چشم خود را بر عوالم دیگر و جهان‌های دیگری که توسط سایر انسان‌ها خلق شده است می‌بندد؛ خواندن کتاب باعث می‌شود ذهن بازتر شود، خلاقیت مان بیشتر شود و مسیر تکامل سریع‌تر طی شود. خواندن کتاب برای زندگی بشری که علاقه‌مند به رشد و خلاقیت است، اجتناب‌ناپذیر است؛ انسانی که کتاب نمی‌خواند خلاقیت‌اش به‌مرور به صفر می‌رسد و تنها گوینده و شنونده‌ای فاقد خلاقیت باقی می‌ماند. این مهم‌ترین وجه تمایزی است که در کتاب خواندن و کتاب‌نخواندن وجود دارد. گرچه در شرایط بحرانی از جمله در همین دوران کرونا، پناه آوردن به کتاب و تخیل کردن یا خواندن ژانرهای تاریخی و اجتماعی و مرور سرگذشت انسان‌هایی که بحران‌های مشابهی را پشت‌سر گذاشته‌اند به حل و فصل بهتر بحران کمک می‌کند، ولی نقش کتاب در زندگی انسان خیلی پررنگ‌تر از این هاست. وقتی انسان‌ها در انزوا باشند بسیاری از مسائل‌شان را نمی‌توانند حل کنند؛ در حالت عادی معمولاً انسان‌ها در جامعه‌ای هستند و با قرار گرفتن در محل کار یا در رفت و آمدها و دورهمی‌ها خودشان را تنها احساس نمی‌کنند. کتاب در مقابله با این انزوا به کمک انسان می‌آید، ولی اهمیت آن از این جهت است که موجب رشد و تکامل انسان می‌شود، اگر کتاب را از انسان بگیریم فاصله زیادی با حیوانات ندارد. این در اقوامی که رشدشان بسیار ابتدایی بوده و به کتابت نرسیده‌اند، قابل مشاهده است. این اقوام در زندگی تمایز چندانی با حیوانات نداشتند و نتوانستند تمدنی بیافرینند، پس صرف صحبت کردن کافی نیست. بنابراین باید نقش خواندن کتاب را بسیار فراتر از این دید که مثلاً امکان تنهابودن را افزایش می‌دهد یا انزوا و جدا افتادن او را جبران می‌کند. ولی در مواقع بسیاری ما انسان‌ها کمتر به کتاب روی آورده و با دورهمی آن را جبران کرده‌ایم که این نمی‌تواند جای کتاب را بگیرد. کتاب تاحدی می‌تواند جای دورهمی را بگیرد، ولی تأثیرش بیش از این هاست. نباید به این موضوع اکتفا کرد، گرچه قطعاً در شرایط موجود کتاب اهمیت پیدا کرده است و اگر بخواهیم از نقش اصلی کتاب در زندگی بشر کوتاه بیایم، باید گفت کتاب خیلی از مشکلات روانی، غربت و مسائلی از این دست را هم برطرف می‌کند.